

ژاک لاکان و خیال سیاسی

حسین معین آبادی^۱، رسول تقی زاده^۲

۱. استادیار، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان

چکیده

ژاک لاکان فیلسوف و روانکاو فرانسوی با خارج کردن روان‌شناسی از حوزه فردی، مفاهیمی را ارائه کرده که بسیار مورد توجه فیلسوفان و اندیشمندان سیاسی - اجتماعی قرار گرفته است. از مهم‌ترین این مفاهیم، مفهوم «خیال» است. در این مقاله تلاش می‌شود تا با رویکرد واکاوی مفهوم «خیال» (فانتزی) در نظریه لاکان، کارکرد سیاسی - اجتماعی «خیال» به‌عنوان مفهومی که از راه خلق گفتمان‌های آرمان‌گرا و بسیج‌گر، در خدمت بازتولید اجتماعی ایدئولوژی زور در ساختارهای تمامیت‌خواه قرار گرفته، با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بررسی شود. نخست، در بخش چارچوب نظری بیان می‌شود که براساس نظریه لاکان سوژه در فرایند سوژگی خود همواره به‌دنبال وصول به تمامیت است، تلاشی که تنها «خیال» دست‌نیافتنی است، زیرا تمامیت در ساحت واقع قرار دارد؛ جایی که دست‌نیافتنی بوده و نقش «خیال»، تنها پوشاندن این ناکامی و فروزان نگه‌داشتن شعله میل است. سپس مشخص می‌شود که «خیال»، مفهومی است که پیش از آنکه فردی باشد، اجتماعی است و می‌توان بسیاری از کنش‌های سیاسی جمعی و به‌ویژه کنش‌های آرمان‌طلبانه و توده‌ای را براساس آن تبیین کرد. بر همین اساس، مفسران لاکان طرح همه ایدئولوژی‌ها و مکاتب سیاسی برای تشکیل آرمانشهرهای تمامیت‌طلب را، تنها نوعی «خیال» تعبیر می‌کنند که با سودای رسیدن به مدینه فاضله‌ای که اساس آن بر تمامیت وحدت و یکپارچگی است، در واقع زمینه‌های برقراری تمامیت‌خواهی (توتالیتاریسم) را فراهم کنند.

واژگان کلیدی: «خیال»، ساحت نمادین، دیگری بزرگ/کوچک، «خوش‌آیش»، آرمانشهر.

* نویسنده مسئول، رایانامه: moeini@uk.ac.ir

تاریخ دریافت: ۷ اسفند ۱۳۹۹، تاریخ تصویب: ۳ آبان ۱۴۰۰

۱. مقدمه

روانشناسی سیاسی، حوزه تخصصی بینارشته‌ای است که می‌کوشد فرایندها و کنش‌های سیاسی را در سطوح مختلف از دید روان‌شناسانه تحلیل و بررسی کند. با وجود این در میان دانشوران حوزه روان‌شناسی و حتی پژوهشگران علوم سیاسی، برخی به ارتباط بین این دو علم به دیده تردید و با لنز بدبینی می‌نگرند، اما فروید به‌خوبی نشان داد ارتباط روانکاوانه، هسته اصلی پیوند اجتماعی را برمی‌سازد و از موضعی جامعه‌ی ادعا کرد فهم دنیای اجتماعی پیش‌نیاز درک روان‌شناختی است (نظری، ۱۳۹۷: ۳). فروید در کتاب *روانشناسی گروهی* به این نکته اشاره کرده است که «روانشناسی فردی، در عین حال روان‌شناسی اجتماعی نیز است» (Stavrakakis, 1999: 3). یکی از شاگردان فروید که اندیشه‌هایش در حوزه‌های خارج از روان‌شناسی بسیار تأثیرگذار بوده، ژاک لاکان فرانسوی است. به اعتقاد هومر، وی را به‌طور مسلم باید مهم‌ترین روانکاو پس از زیگموند فروید (۱۹۳۹-۱۸۵۶)، بنیانگذار و مؤسس روانکاوای دانست. تفکر لاکانی^۱ اکنون در رشته‌های مطالعات ادبی و سینمایی، مطالعات زنان و نظریه اجتماعی نفوذ کرده است و در زمینه‌های مختلفی مانند آموزش، مطالعات حقوقی و روابط بین‌الملل کاربرد دارد (Homer, 2005: 1). او به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین متفکران سده بیستم، با استفاده از زبان‌شناسی ساختاری، روانکاوای را مورد بازتفسیر و این رشته را احیا کرد (Skodo, 2010: 3). به این ترتیب، وی روانکاوای را از تنگنای محدود فردی به گستره اجتماع و نظم حاکم بر آن رهنمون ساخت (مهری، ۱۳۹۴: ۱). این در حالی است که از دید روان‌شناسی سنتی، روابط انسانی، محصولات جانبی مصنوعی برای افرادی است که در اصل، عملکردی مستقل دارند و اجتماع در درجه دوم پس از افراد قرار دارد و مشتقی از امر فردی است (جرجن^۲، به نقل از خشک‌جان، ۱۳۹۹: ۱۲۹). اما دلیل اهمیت زیاد نظریه لاکانی، این است که این نظریه دلالت یا دلالت متقابل بین روانکاوای و تحلیلی سیاسی- اجتماعی را مجاز می‌شمارد (فرشید و دارابی، ۱۳۹۱: ۴) و زمانی که از مفاهیم لاکانی در مباحث سیاسی و اجتماعی استفاده می‌شوند، به پژوهشگر اجازه می‌دهند تا در بسیاری از ابعاد حیاتی سیاست‌ورزی رادیکال امروز دنیا، از جمله تله‌های مربوط به «خیال» آرمانشهری به کاوش پردازد (Newman, 2004: 3).

«خیال»، از مفاهیم پیچیده در روان‌شناسی است که به‌طور بسیار ساده می‌توان آن را برابر با رضای تخیلی یک میل قوی یا برآورده شدن خیالی یک آرزو دانست. به‌عبارت دیگر، در فرایند «خیال» پردازی، فرد تلاش می‌کند تا به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه تصویری از دنیای مطلوب برای خود ترسیم کند و با وعده تحقق این دنیای خیالی، آسیب‌های ناشی از دنیای

1. Lacanian
2. Gergen

واقعی را از خود دور نگه دارد. «خیال» همواره بر برساخته‌های بشری در حوزه‌های مختلف ادبی، هنری، سینمایی و... تأثیرگذار بوده است. سیاست نیز همچون سایر حوزه‌هایی که محصول آن برساختی از کنشگران انسانی است، از «خیال»‌های ذهنی سیاستمداران و سیاست‌پردازان در امان نمانده است. ژاک لاکان^۱ در سمینارهای خود این مفهوم را معرفی کرده و به‌خوبی آن را تحلیل کرده است. در ادامه اندیشمندانی همچون اسلاوی ژیژک^۲ به بررسی کارکردهای سیاسی- اجتماعی آن پرداخته‌اند. «خیال» و مجموعه مفاهیم مرتبط با آن در گفتمان لاکان، از مقوله‌هایی است که می‌توان با کمک آن به بررسی ایدئولوژی‌های آرمانشهری تمامیت‌طلب و همچنین پیامدهای کنشگری در چارچوب این ایدئولوژی‌ها پرداخت، زیرا براساس گفتمان لاکان، اندیشه‌های آرمانشهری (اتوپایی)^۳ در حقیقت نوعی «خیال» سیاسی‌اند که با خیال بازیابی بهشتی که بشر از آن رانده شده، هریک به شکلی درصدد احیای جامعه آرمانی‌ای هستند که می‌تواند سعادت مطلق را برای بشر به ارمغان آورد. بنابراین، می‌توان با شناخت دقیق مفهوم «خیال» سیاسی دریچه‌ای جدید برای مطالعه اندیشه‌های تمامیت‌طلب و آثار و پیامدهای آن‌ها گشود.

از اهداف اصلی این پژوهش واکاوی دقیق مفهوم «خیال» و کارکرد سیاسی- اجتماعی آن در ادبیات لاکانی و نیز یافتن پاسخ‌های مناسب برای پرسش‌های زیر است: ۱. آیا «خیال» تنها مقوله‌ای فردی است یا به امر اجتماعی نیز مربوط می‌شود؟ ۲. اهمیت و معنای سیاسی خیال چیست؟ ۳. آیا شناخت رابطه بین خیال و قدرت به درک گرایش آرمانشهرگرایان به تمامی‌خواهی (توتالیتاریسم) و سرکوب آزادی‌های بنیادی جامعه کمک می‌کند؟ در فرضیه پژوهشی بیان می‌شود که در دیدگاه پساساختارگرایانه لاکانی، رابطه‌ای بین خیال به‌عنوان یک مقوله اجتماعی و قدرت سیاسی وجود دارد که با خلق گفتمان‌های آرمان‌گرا و بسیج‌گر، در خدمت بازتولید اجتماعی ایدئولوژی زور در ساختارهای تمامیت‌خواه قرار گرفته است. روش پژوهش نیز روش کیفی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است. از نظر لاکلا^۴ و موف^۵، کلیت ساختاردهی شده که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود، «گفتمان» نام دارد. گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آنها نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند، هویت و معنا می‌یابند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند (حقیقت، ۱۳۸۷: ۵۳۵). سوسور^۶ با طرح ساختارهای زبانی، نخستین گام را برای ایجاد نظریه گفتمان برداشت.

-
1. Jacques Lacan
 2. Slavoj Žižek
 3. Utopia
 4. Ernesto Laclau
 5. Chantal Mouffe
 6. Ferdinand de Saussure

هرچند مدت‌ها گذشت تا نظریه ساختارگرایی زبانی وی برای فهم و تبیین فرایندهای اجتماعی به‌کار آید (حقیقت، ۱۳۸۷: ۴۸۰). نظریه گفتمان پس از حدود دو دهه از زبان‌شناسی در تحلیل‌های انتقادی در حوزه مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به‌کار گرفته شد (حقیقت، ۱۳۸۷: ۴۸۲). تحلیل گفتمان انتقادی پژوهش تحلیلی گفتمان است، که پیش از هر چیزی چگونگی سوءاستفاده از قدرت اجتماعی و نابرابری و تبعیض در بستر اجتماعی و سیاسی را بررسی می‌کند (فن‌دیک، ۱۳۹۵: ۸۱). از نظریه‌پردازان اصلی این حوزه، نورمن فرکلاف^۱ است که در روش خود از فوکو و گرامشی الهام می‌گیرد، و استدلال می‌کند که ممکن است ساختاربندی خاصی از تفاوت نشانه‌شناختی هژمون شده و به بخشی از عقل سلیم مشروعیت‌بخش تبدیل شود که روابط استیلا را تقویت می‌کند (فرکلاف، ۱۳۹۵: ۶۴). وی تحلیل را در سه سطح توصیف متن، تفسیر متن و تبیین متن انجام می‌دهد تا رابطه بین گفتمان (به‌عنوان مجموعه‌ای از دال‌ها و مدلول‌ها که پیرامون دال مرکزی مفصل‌بندی شده‌اند) و ساختار قدرت (به‌عنوان کانونی برای معنادگی به دال‌های مرکزی) و نحوه بهره‌برداری ساختار قدرت از گفتمان را برای بازتولید ایدئولوژی زور کشف کند. در این پژوهش، نحوه بازتولید گفتمان‌های مبتنی بر خیال سیاسی (به‌عنوان گفتمان‌های قدرتمند در بسیج‌گری توده‌ها و ابزاری برای اعمال قدرت ساختارهای تمامیت‌خواه) بررسی می‌شود. به همین دلیل، در سه سطح چارچوب نظری (توصیف متن و تشریح چگونگی شکل‌گیری خیال)، بحث و بررسی مفهوم خیال (تفسیر متن و بررسی کارکرد خیال در عرصه سیاسی-اجتماعی)، و نتیجه‌گیری (تبیین متن و بیان چگونگی بهره‌گیری ساختار قدرت از خیال سیاسی) ارائه خواهند شد.

۲. پیشینه پژوهش و چارچوب مفهومی لاکانی

در زمینه مفاهیم لاکانی در زبان فارسی آثار متعددی ترجمه و تألیف شده است، که برخی از آنها (مانند هومر، ۱۳۹۸؛ ژیک، ۱۳۹۹؛ فینک، ۱۳۹۷) را می‌توان برای آشنایی با اندیشه‌های لاکان نام برد. گروهی دیگر (به‌طور نمونه، استاوراکاکیس، ۱۳۹۸؛ علی، ۱۳۹۵؛ فرهادپور و همکاران، ۱۳۸۴) ارتباط نزدیک‌تری با موضوع این پژوهش دارند و به‌طور مستقیم به برداشت‌های سیاسی از آموزه‌های لاکان می‌پردازند. همچنین مقاله‌های متعددی با موضوع‌های روان‌شناسی سیاسی بر مبنای نظریه لاکانی وجود دارد که از بین آثار فارسی می‌توان به نظری (۱۳۹۷)، تاجیک (۱۳۸۶)، مشیرزاده و مینادی (۱۳۹۸) و احمدزاده (۱۳۸۶) اشاره کرد. تفاوت این پژوهش با آثار یادشده، تمرکز بر یک مفهوم خاص در اندیشه لاکان، یعنی «خیال»^۲ لاکانی،

1. Norman Fairclough
2. Fantasy

نحوه شکل‌گیری «خیال» در سوژه و کارکردهای سیاسی این مفهوم است. برای فهم «خیال» لاکانی به‌عنوان مفهوم اساسی سیاسی - اجتماعی، ابتدا باید مجموعه‌ای از مفاهیم لاکانی را بررسی کرد که نخستین آنها سوژه^۱ لاکانی است.

۱. ۲. سوژه لاکانی

به گفته بروس فینک^۲، سوژه لاکانی برخلاف فروید که عاملیت تام را به ناخودآگاه می‌داد و آن را حاکم بر سوژه می‌دانست، بین خود^۳ و ناخودآگاه، تقسیم شده است. توجه به این نکته بسیار مهم است که با اینکه لاکان بی‌شک از ناخودآگاه^۴ به‌منزله آنچه جریان عادی رویدادها را مختل می‌کند حرف می‌زند، هیچ‌گاه از ناخودآگاه نوعی عاملیت نمی‌سازد (فینک، ۱۳۹۷: ۱۰۲). اما نکته مهم‌تر که با مبحث این مقاله مرتبط است، این است که برخلاف آنچه فروید در مورد ناخودآگاه می‌گوید، ناخودآگاه لاکانی، ناخودآگاه فردی نیست، حتی آن‌طور که یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱) تعریف می‌کند، یعنی ناخودآگاه جمعی و به‌عنوان مخزنی از تصاویر افسانه‌ای (چیزی که یونگ به آن کهن‌الگو می‌گوید) و آنچه از راه نژاد به انسان به ارث می‌رسد، نیست (Homer, 2005: 69). فرد در نظام نمادین^۵ که لاکان آن را ساختاری زبانی می‌داند، متولد می‌شود و همین نظام نمادین یا به تعبیر دقیق‌تر زبان، سوژه را شکل می‌دهد و برمی‌سازد. همچنین برخلاف فروید که ضمیر ناخودآگاه را آشفته و بی‌ساختار می‌داند، لاکان ناخودآگاه را دارای ساختاری همانند ساختار زبان می‌داند و به‌منظور یافتن ساختار آن به سوسور روی می‌آورد (فرشید و دارابی، ۱۳۹۱: ۴). وی در قالب سه نظم^۶ اصلی یعنی امر خیالی یا تصویری (ساحت آینه‌ای)^۷، امر نمادین و امر واقع^۸ رفتار را تحلیل می‌کند (مشیرزاده و مینادی، ۱۳۹۵: ۵) و این سه ساحت، ماتریس^۹ نظری لاکانی را برای مفهوم‌سازی سوژه انسانی تشکیل می‌دهد. نکته مهم این است که هیچ‌کدام از سه سطح نمی‌تواند به‌درستی از دو سطح دیگر جدا باشد و سوژه به هیچ‌یک از این سه، تقلیل‌شدنی نیست، بلکه در محل تلاقی هر سه قرار می‌گیرد (Salder, 2019: 102,103).

1. Subject
2. Bruce Fink
4. Ego
5. Unconscious
6. Symbolic
8. Order
9. The mirror
10. The real
11. Matrix

۲.۲. ساحت‌های سه‌گانه رشد سوژه

مرحله آینه‌ای^۱ الگوی رشد در نوزادان بین شش تا هجده‌ماهگی است. برای لاکان این دوره به معنای تولد خود و به‌صورت همزمان تولد دیگری است (Gançalves, 2012: 2). در این زمان، کودک برای نخستین‌بار تصویر خود را در آینه^۲ می‌بیند و از راه این تصویر خود را به‌صورت وجودی یکپارچه می‌شناسد (Farooq, 2017: 2). امر خیالی نخستین فهم کودک از خود است و به چگونگی رسیدن فرد به هویت مربوط می‌شود (مشیرزاده و مینادی، ۱۳۹۵: ۵). کودک پیش از این مرحله تصویری از تمامیت خود ندارد، اما تصویر درون آینه کودک را از وجودی پاره‌پاره شامل دست، پا، سر و... به‌سوی بینشی از تمامیت بدن هدایت می‌کند.

خودشیفتگی درست پس از آنکه کودک خود را در آینه می‌بیند، برای او رخ می‌دهد و موجب بروز حس شعف^۳ در او می‌شود، زیرا این نخستین‌بار است که کودک تصویری کامل از کالبد خود می‌بیند و از همین رو شیفته خود می‌شود، این شعف و شادمانی از دیدن خود در آینه موجب افسون و فریب کودک می‌شود (حاجی‌آقابابی، ۱۳۹۷: ۴). لاکان تأکید دارد که این شکل «خود» که برآمده از تصاویر آینه‌ای و در تضاد با بدن شکننده‌ای است که بدون هر گونه شکل منسجمی است، در عین حال آغاز بیگانه‌شدگی^۴ سوژه است (Farooq, 2017: 2)، زیرا این همان‌انگاری با تصویر، آغاز رشته «خیال»‌پردازی‌های سوژه است، خیالی که طی آن کودک تصویر تام و یکپارچه آینه را که انعکاسی بیش نیست، با خود یکی می‌گیرد، و از این حس تمامیت و سروری که بر بدن خود به‌دست آورده است، لذت می‌برد. به تعبیر ژیتک، سوژه باید خود را با دیگری خیالی یکی کند، باید خود را بیگانه کند- هویت خود را خارج از خود یا به تعبیری درون تصویر همزاد خود قرار دهد (ژیتک، ۱۳۸۴: ۱۵۶). همان‌طور که در بخش پیشین گفته شد، همین هویت‌یابی کاذب نیز برای شکل گرفتن و به سرانجام رسیدن، به تأیید از سوی جهان نمادینی نیاز دارد که کودک در درون آن قرار گرفته است. ژیتک موضوع را این‌گونه بیان می‌کند: واقعیت این است که یکی شدن خیالی همواره عبارت است از هویت‌یابی و یکی شدن برحسب علاقه و خواست نگاهی خاص در دیگری (ژیتک، ۱۳۸۴: ۱۵۹)، بنابراین کودک در همان گام نخست وارد ساحت نمادین یعنی دومین مرحله از سه‌گانه لاکانی می‌شود. با این حال، ساحت نمادین نیز چیزی نیست که تنها با پایان مرحله خیالی آغاز شود، بلکه کودک از همان ابتدا در ساختاری نمادین چشم به جهان گشوده است. درک این نکته مهم است که اگرچه

1. Mirror Stage

۲. منظور لاکان از آینه به‌طور قطعی آینه حقیقی نیست، بلکه منظور تصویر خاص است. برای مثال، می‌تواند یک کودک دیگر باشد که به‌صورت کامل و یکپارچه توسط کودک دیده می‌شود (Gançalves, 2012: 2).

3. Jubilation

4. Alienation

لاکان تمایز خیالی و نمادین را تشخیص می‌دهد، تشخیص دقیق محل اختلاف آنها دشوار است (Osmudsen, 2015: 3).

وی نظریه‌ای را مطرح می‌کند که در آن انسان‌ها تحت تأثیر تعیین‌کننده نظم نمادینی که حتی پیش از تولد، در آن غوطه‌ور می‌شوند، قرار می‌گیرند (Salder, 2019: 55). پیش از آنکه کودک وارد جهان شود، والدین وی نامی برای او انتخاب کرده‌اند و فضای نمادین پیرامون او پیش‌تر و براساس امیال والدینش شکل گرفته است، البته آنها نیز این فضا را از والدین خود گرفته‌اند. ما در فضای نمادینی وارد می‌شویم که خیلی پیش‌تر از ورود ما شکل گرفته است (Chiesa, 2014: 225). بدان معنا که نوزاد از همان بدو تولد وارد جهان نمادین می‌شود، جهان نمادینی که از پیش و براساس فرهنگ و ساختاری که بسیار پیشینی است، شکل گرفته است. در اندیشه لاکان نظام نمادین نظامی است که انسان را وارد جهان می‌کند و موجب می‌شود بفهمد و خود را تعبیر و تفسیر کند (علی، ۱۳۹۸: ۱۰۸). لاکان ساحت نمادین را براساس زبان‌شناسی^۱ سوسور تبیین می‌کند و انسان را موجودی اجتماعی می‌داند که در درون نظام نمادینی که زبان به وجود آورده، قرار گرفته و معتقد است در این جهان نمادین، قوانین این ساختار زبانی هستند که او را به کنش‌گری در عرصه سیاسی و اجتماعی وادار می‌کنند.

از نظر او امر نمادین به زنجیره دلالت‌ها^۲ و دال‌ها^۳ در زبان اشاره دارد، زبانی که سوژه را تعیین می‌بخشد (Hendrix, 2019: 1). در نظریه لاکان همه چیز به نشانه و سیستم دلالت خلاصه می‌شود. هیچ واقعیتی خارج از زبان وجود ندارد. به عبارت دیگر، خارج از حیطه زبان، تفکر و تعقل معنای خود را از دست می‌دهد (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۴) و ما به عنوان سوژه‌ها از راه زبان با هم در پیوندیم و واقعیت نیز جز از راه زبان وجود ندارد، سوژگی ما از راه زبان شکل می‌گیرد و خودآگاهی نسبت به خود هم با همین اظهارات حاصل می‌شود. پس سوژه محصول زبان، تاریخ، ایدئولوژی، عرف و کاربردهای زبانی‌ای است که در جامعه وجود دارد (مشیرزاده و مینادی، ۱۳۸۶: ۶). لاکان، زبان را این‌گونه تعریف می‌کند: «ساختاری که به‌گونه‌ای تشکیل شده تا ما را از راه دیگری بازنمایی کند، در حالی که به‌شدت مانع از درک خود توسط ما می‌شود» (Hendrix, 2019: 7). زبان خود را مفت و مجانی در اختیار ما می‌نهد، اما به محض اینکه آن را پذیرفتیم، ما را استثمار می‌کند (ژیک، ۱۳۹۹: ۲۳). نزد لاکان اگرچه سوژه توسط ساحت نمادین به وجود می‌آید، در نهایت در این ساحت دچار بیگانه‌گشتگی می‌شود (Hendrix, 2019: 7). بنابراین سوژه از دو نظر بیگانه می‌شود؛ نخست، در مرحله آینه‌ای و زمانی که نوزاد به غلط خود را با تصاویر آینه‌ای می‌شناسد؛ دوم، در زمان ورود سوژه به نظام نمادین و زبان. بیگانه‌شدگی نتیجه

-
1. Linguistic
 2. Signification
 3. Signifier

اجتناب‌ناپذیر شکل‌گیری خود و نخستین گام ضروری به سمت سوژکتیویته است (Homer, 2005: 71). امر واقع (ساحت سوم)، جایگاه شکست ذاتی دو ساحت پیشین، ساحت فقدان^۱ یا نبود امکان است (Skodo, 2010: 27) و به‌طور اساسی آن چیزی است که در برابر نمادسازی مقاومت نشان می‌دهد (فینک، ۱۳۹۷: ۱۹۰). لاکان بین «امر واقع» و «واقعیت»^۲ تمایز قائل می‌شود و آنها را منفک از هم می‌داند، و نشان می‌دهد که امر واقع پیشتر قربانی و دستخوش ابهام جدی شده است (Evans, 2006: 162). در ساحت واقع برخلاف ساحت نمادین، هیچ‌گونه فقدان و وجود ندارد و درحالی‌که نظام نمادین از مجموعه‌ای از عناصر متفاوت و گسسته از هم، یعنی همان دال‌ها تشکیل شده، امر واقع در درون خود بدون هر گونه تمایزگذاری است؛ ساحت واقع هیچ‌گونه شکافی ندارد (Evans, 2006: 162). به بیان خلاصه، امر واقع به‌عنوان موجودیتی که محصول اندیشه و زبان باشد، وجود ندارد. امر واقع مقدم بر زبان است و به‌طور کامل در برابر نمادپردازی مقاومت می‌کند (Homer, 2005: 83) و همزمان هسته‌ای سخت و نفوذناپذیر است که در برابر نمادینه شدن مقاومت می‌کند، و نیز موجودیت واهی محضی است که به‌خودی‌خود هیچ ثبات هستی‌شناسانه‌ای ندارد (زیوک، ۱۳۹۰: ۳۴). به بیان دیگر، «امر واقع» (رنال) ابتدایی‌ترین نقطه است، بخشی که پیش از زبان، نمادین کردن، معنا و خیال قرار دارد (علی، ۱۳۹۸: ۱۱۸). تصور کردن آن در عالم خیال، ادغام آن در نظام نمادین، و به‌چنگ آوردنش به هر شکل دیگری ناممکن است (Evans, 2006: 162).

۳. ۲. فقدان در دیگری بزرگ و میل سوژه به تمامیت

یک پژوهشگر ساحت واقع را محل شکست نظام نمادین دانسته و می‌نویسد: هنگامی که گفته می‌شود «امر واقع» شکست نظام نمادین است، بدین‌معنی است که در درون قدرت، چیزی وجود دارد که کنترل‌شدنی نیست. «امر واقع» مرزی است که قدرت را به زانو درخواهد آورد. در اینجا، بنا به منطبق لاکان هیچ نظامی وجود ندارد که مرز تجزیه و شکست در آن وجود نداشته باشد. هیچ ساختاری نیست که شکافی در آن نباشد و آن شکاف «امر واقع» است. اهمیت لاکان در این است که امکان پیدایش هر نظام بسته و امکان وجود «دیگری بزرگی» را که نقضی اساسی و شکافی بزرگ در آن وجود نداشته باشد، حذف خواهد کرد (علی، ۱۳۹۵: ۱۱۲ و ۱۱۷). شکاف در دیگری بزرگ را که بختیار علی از آن نام می‌برد، می‌توان دلیل اصلی ناکامی سوژه در رسیدن به تمامیت و در نتیجه شکل‌گیری «خیال» دانست. پرسش این است که این «دیگری بزرگ» چیست و شکاف و فقدان در آن، چگونه به خلق «خیال»‌های سیاسی منجر

1. The Lack
2. The Truth

می‌شود؟ دیگری بزرگ مفهومی است که در نظریه لاکانی مطرح می‌شود و می‌توان آن را برابر با نظام نمادینی دانست که سوژه در درون آن قرار می‌گیرد و تلاش می‌کند تا از راه آن سوژکتیویته خود را شکل دهد. لاکان تأکید می‌کند که زبان، «دیگری بزرگ» بوده و سوژه نیز، سوژه زبان است. به اعتقاد لاکان، پس از آنکه سوژه در ساحت خیالی نتوانست تمامیت موردنظر خود را از راه «دیگری کوچک» (یا همان تصاویر آینه‌ای که کودک در ۶ تا ۱۸ ماهگی می‌بیند) باز یابد و ابژه^۱ میل مادر شود، در ساحت نمادین به دنبال تحقق این «خیال» برمی‌آید و تلاش می‌کند با رسیدن به تمامیت، ابژه میل «دیگری بزرگ» شود، غافل از اینکه برای همیشه از این تمامیت منع شده است. بدین ترتیب «دیگری بزرگ» جایگاهی خواهد بود که میل^۲ سوژه را شکل می‌دهد و سوژه همواره میل خود را از آنجا می‌گیرد. در این زمینه لاکان بیان می‌کند: ساحت میل باید به‌طور ضروری در سطح لوح^۳ «آ بزرگ» شکل بگیرد، به عبارت دیگر، میل همیشه پیامدی از بروز زبانی است و در سطح «دیگری بزرگ» نقش می‌گیرد (لاکان، ۱۳۹۷: ۴۳). میل انسان در واقع همان میل «دیگری بزرگ» است (لاکان، ۱۳۹۷: ۴۵). لاکان برای تمایزگذاری بین «نیاز» با «میل» دقت بسیاری به خرج می‌دهد. نیازی مانند گرسنگی یا تشنگی می‌تواند برطرف شود، اما میل به چیزی ورای نیازهای اولیه بشر اشاره دارد که ارضاشدنی نیست (Homer, 2005: 72). میل در ذات خود جست‌وجوی همیشگی چیزی دیگر است و هیچ ابژه مشخصی که بتواند آن را ارضا کند، به عبارت دیگر آن را فرو بنشانند، وجود ندارد. میل به‌طور اساسی گرفتار حرکت دیالکتیکی^۵ از یک دال به دال دیگر و یکسره مخالف تثبیت است. میل نه به دنبال رضایت، بلکه به دنبال تداوم خود است: «میل بیشتر، میل بزرگ‌تر»، میل تنها می‌خواهد به میل داشتن ادامه دهد (فینک، ۱۳۹۷: ۱۸۶). میل همواره نمود چیزی است که سوژه و «دیگری بزرگ» یعنی همان نظام نمادین همواره بدون آن هستند (Homer, 2005: 72) و این فقدان است که دلیل پیدایش میل می‌شود (Evans, 2006: 98). فقدان را می‌توان نبود لذت بنیادینی دانست که سوژه آن را گم کرده و همواره در طلب وصول دوباره آن است؛ لذتی که لاکان آن را ژوئیسانس^۶ می‌نامد.

1. Object

2. Desire

۳. در ادبیات لاکان، «دیگری بزرگ»، با ابژه بزرگ **A** و «دیگری کوچک»، با ابژه کوچک **a** (آ-کوچک **object petit a**) در جایی که **a** حرف اول **autre** به معنای «دیگری» است) معرفی می‌شوند.

5. Dialectical

۶. واژه فرانسوی **juissance** در انگلیسی مترادف **enjoyment** است، اما در بیشتر آثار لاکان ترجمه شده به انگلیسی از همان واژه فرانسوی استفاده شده است (Evans, 2006: 93). در ترجمه‌های فارسی نیز به‌طور عمومی واژه «ژوئیسانس» به کار رفته، اما در کتاب چگونگی لاکان بخوانیم، این واژه «خوش‌آیش» ترجمه شده است، که در اینجا نیز از این معادل پارسی استفاده می‌شود.

۲.۴. «خوش‌آیش»، لذت از دست‌رفته و شکل‌گیری «خیال» بازآیابی آن

«خوش‌آیش» (ژوئیسانس) لذت بنیادینی است که با درد و رنج همراه است و با لذت معمول تفاوت دارد (مشیرزاده و مینادی، ۱۹۸: ۷). به نظر لاکان، سوژه همیشه در تلاش است تا از محدودیت‌های اعمال‌شده بر لذت خود تخطی کند و به فراسوی اصل لذت برود، اما نتیجه تخطی از آن اصل، درد است، زیرا سوژه همیشه می‌تواند حد معینی از لذت را تحمل کند که فراسوی آن لذت به درد تبدیل می‌شود. لاکان این لذت دردناک را خوش‌آیش می‌نامد، رنجی که سوژه از ارضای خود کسب می‌کند (فرشید و دارابی، ۱۳۹۱: ۱۳). خوش‌آیش پاسخی برای میل بی‌نهایت سوژه است، اما بیان‌شدنی و به‌نمایش‌گذاشتنی نیست (حیدری و فرد، ۱۳۹۳: ۹) و نوعی آرمان، ایده و امکانی است که اندیشه مجال تصور آن را به ما می‌دهد، اما دست‌نیافتنی است (شهریاری و مختاری، ۱۳۹۶: ۹). خوش‌آیش، آن‌طور که در «خیال» به روی صحنه می‌رود و نمایش داده می‌شود، واقعیتی کاذب است؛ واقعیتی رام و اهلی‌شده که نمی‌تواند چگونگی واقعیت پیشانمادین را به ما نشان دهد، بلکه تنها فرافکنی و فرضیه‌های ما را درباره واقعیت نشان می‌دهد (Stavrakakis, 2002: 49).

خوش‌آیش به شکل ناسازه‌وار (پارادوکسیکال)^۱، رضایت از نبود رضایت‌مندی است، نبود رضایت‌مندی که محصول ناکامی پی‌درپی سوژه در کسب لذت کاملی است که گفتمان هژمون وعده تحقق آن را به سوژه می‌دهد. کسب این لذت کامل، درست به دلیل نیستی ساختاری گفتمان، توهمی بیش نیست. بنابراین گفتمان غالب متکی بر دیالکتیک وعده لذت به سوژه از یک سو و خوش‌آیش ناشی از ناکامی سوژه در تحصیل این لذت از سوی دیگر است (Muller, 2012: 4). خوش‌آیش همیشه ناشی از لذتی است که از فراچنگ آوردن آن ناکام مانده‌ایم، لذتی که از دستش داده‌ایم و به‌دنبالش هستیم. این فقدان مجوز پیدایش مفهومی را می‌دهد که در روانکاوی لاکانی «خیال» خوانده می‌شود. «خیال» وعده پر کردن فقدان خوش‌آیش را می‌دهد. «خیال» ساختاری است که فقدان سوژه را به‌وسیله تصویری از تمامیت پنهان می‌کند، ضمن اینکه به‌طور اساسی در برابر مخالفت و ضدیت نیز ایستادگی می‌کند (Muller, 2012: 5). به تعبیر مولر^۲، فقدان راه وصول لذت موعود گفتمان هژمون را سد کمی‌کند، اما «خیال» به میل سوخت می‌رساند، تا بتواند بر این انسداد غلبه کند. «خیال» در حقیقت وسیله‌ای است برای حفظ میل، میل به لذتی که هرگز قرار نیست چشیده شود.

1. Paradoxical
2. Martin Muller

۵. ۲. بیگانه‌شدگی سوژه در ساحت نمادین؛ آغاز میل‌ورزی، جست‌وجوی خوش‌آیش و شکل‌گیری «خیال»

نزد لاکان بیگانه‌شدگی به دو بخش تقسیم می‌شود: «بیگانه‌شدگی» و «جدایی». هر دو نشانه‌های پیدایش سوژه - به‌عنوان فردی در جامعه - هستند، اما هر کدام لحظه‌ای متفاوت از آن فرایند را شکل می‌دهند. بیگانه‌شدگی لاکانی به‌شدت با مفهوم ساحت آینه‌ای گره خورده و از ظهور سوژه تقسیم‌شده خبر می‌دهد، سوژه‌ای که خود یا «خود بیرونی»، و نیز آنچه «خود درونی» نام دارد را در برمی‌گیرد. از سوی دیگر، جدایی نشان‌دهنده پیدایش میل است و با اختگی نمادین یعنی درک این موضوع توسط کودک که هیچ‌گاه نمی‌تواند ابژه میل مادر خود باشد، مشخص می‌شود. در این مرحله، میل به هزار تکه تقسیم می‌شود که خود را در ابژه‌ها و افراد جای می‌دهد. در نتیجه ابژه میل دچار تکثر می‌شود (Knudsen, Rickly & Vidon, 2016: 7). به این ترتیب می‌توان آغاز میل‌ورزی، جست‌وجوی خوش‌آیش و شکل‌گیری «خیال» را نیز در همین بیگانه‌شدگی و جدایی جست‌وجو کرد، زیرا حرکت از بیگانه‌شدگی به سوی جدایی مستلزم جدا شدن سوژه از «دیگری بزرگ» (مادر)^۱ و درک این مسئله است که هرگز نمی‌تواند میل «دیگری بزرگ» را به‌طور کامل برآورده کند. به‌طور کلی، جدایی شامل این است که سوژه هم‌زمان فقدان در خود و نیز فقدان در دیگری‌های موجود در جامعه را تشخیص دهد، زیرا از همین فقدان است که سوژه پدید می‌آید، و این برابر است با پیدایش میل در سوژه و نیز تشخیص اینکه همه دیگری‌های حاضر در جامعه نیز سوژه‌های میل‌ورزند. بنابراین، از راه میل «دیگری بزرگ» است که میل سوژه شکل می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، از آنجا که فرد میل به تمامیت دارد، همان‌طور که دیگران هم این میل را دارند، تمام زندگی خود را صرف جست‌وجوی این تمامیت (امری محال) می‌کند که نیازمند ساخت «خیال»هایی به شکل مسیرهایی برای رسیدن به تمامیت است (Knudsen, Rickly & Vidon, 2016: 8).

بنابراین آنچه سبب می‌شود میل هیچ‌گاه ارضا نشود، خواسته وی برای دستیابی به چیزی است که ناممکن است: سوژه‌ای به‌طور کامل یکپارچه و یکدست؛ و این ناممکن است، زیرا سوژه همیشه از پیش یا به‌صورت پیشینی از خود منع شده است. این بازایستادن و خودداری به‌طور اساسی فقدان است که پر کردن یا حذف آن ناممکن است؛ و آنچه سوژه از آن منع شده، یکپارچگی و تمامیت است (Skodo, 2010: 10). به‌طور کلی، سوژه به‌دنبال ارضای میل با پر کردن خود از تمامیت، حقیقت، زیبایی و چیزهایی مانند آن است؛ و این چیزی ناممکن

۱. پیشتر اشاره شد که دیگری بزرگ، نظام نمادین است، اما باید دانست که در ساحت آینه‌ای یا همان ساحت خیالی، مادر است که نقش «دیگری بزرگ» را برای نوزاد ایفا می‌کند.

است، زیرا سوژه پیشینی دچار بیگانگی شده است (Skodo, 2010: 27). با وجود این، سوژه هرگز دست از میل‌ورزی برای وصول به تمامیت نمی‌کشد.

۳. بحث و بررسی

۱. ۳. تولد «خیال» به‌عنوان راه‌حلی خیالی برای فقدان

اگر میل با یک فقدان جبران‌نشدنی که ناشی از میل دیگری بزرگ است تداوم یابد، «خیال» به‌عنوان راه‌حلی برای فقدان پا به عرصه می‌گذارد؛ یک سناریوی خیالی که می‌تواند ابهامات رمزآلود دیگری بزرگ را رمزگشایی کند. «خیال» خلأ موجود در میل ما و میل دیگری بزرگ را پر می‌کند. زمانی که میل ما را وارد چرخه بی‌پایان خواسته‌ها می‌کند، «خیال» یک پاسخ خیالی مهیا می‌کند، صحنه‌ای که می‌توان از آنجا به میل دیگری بزرگ نزدیک شد و با آن هویت‌سازی کرد (Gardiner, 2014: 23). چنانکه ژیتک اشاره می‌کند، «خیال» به‌عنوان ساختار عمل می‌کند، به‌عنوان سناریویی خیالی که فقدان را پر می‌کند، شکاف موجود در دیگری بزرگ را، با دادن پاسخ قطعی به این پرسش که «دیگری بزرگ چه می‌خواهد؟» و به ما کمک می‌کند تا از بن‌بست تحمل‌نشدنی که خواسته دیگری بزرگ برای ما ایجاد کرده است، رها شویم (Gardiner, 2014: 23).

اگر بخواهیم تعریفی استاندارد از «خیال» ارائه دهیم، این تعریف شامل «برآورده شدن توهم‌آمیز یک آرزو» می‌شود (Macdonell.D, 2007: 58). به‌صورت ساده «خیال» عبارت است از داستانی که ما برای خود روایت می‌کنیم، تا بتوانیم حسی از دنیای خود برای خود بسازیم و آسیب‌های ناشی از امر واقع را از خود دور نگه‌داریم (Knudsen, Rickly & Vidon, 2016: 9). «خیال» تلاش می‌کند جای دیگری بزرگ دچار فقدان، و جای دلالت‌گری گمشده‌ای را بگیرد، زیرا می‌خواهد لذت قربانی‌شده ما (براساس افسانه‌های ما) را بازنمایی کند. از آنجا که واقعیت در مرحله ساحت نمادین مفصل‌بندی می‌شود و ساحت نمادین نیز دچار فقدان است، بنابراین واقعیت تنها با متوسل شدن به «خیال» می‌تواند انسجام قطعی خود را به‌عنوان ایژه هویت‌سازی به‌دست آورد و خوش‌آیند شود (Stavrakakis, 2002: 46).

خدمت «خیال» به «دیگری بزرگ» پوشاندن فقدان در آن است. ژیتک می‌نویسد: «خیال پاسخی مهیا می‌کند برای پرسش چه می‌خواهی؟، برای معمای تحمل‌نشدنی میل دیگری بزرگ، برای فقدان در دیگری بزرگ؛ ولی همزمان این خود «خیال» است که مختصات میل ما را تعیین می‌کند و چارچوبی را می‌سازد که ما را قادر به میل‌ورزی می‌کند» (Macdonell.D,)

-
1. To cover
 2. Che vuoi?

2007: 60). بنابراین «خیال» تنها می‌تواند نقش نمایشی را داشته باشد که تلاش می‌کند شکاف موجود در دیگری بزرگ را بپوشاند و بر فقدان آن سرپوش بگذارد. نکته بسیار مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که «خیال» هرگز قادر نیست میل را محقق کند. همان‌طور که ژیاک نیز بیان می‌کند، در صحنه «خیال» میل هرگز محقق و ارضا نمی‌شود، بلکه این صحنه تنها برسازنده میل است. او «خیال» را چارچوبی می‌داند که از یک سو شکاف موجود در «دیگری بزرگ» را می‌پوشاند و از سوی دیگر، میل سوژه را به نحوی مفصل‌بندی و فرم‌دهی می‌کند که به میل «دیگری بزرگ» تبدیل شود.

۲. ۳. «خیال» به عنوان یک امر سیاسی

حال این پرسش مطرح است که آیا «خیال» تنها مقوله‌ای فردی یا مربوط به امر اجتماعی است؟ استاوراکاکیس به این پرسش به این ترتیب پاسخ می‌دهد: «خیال» ساختی است که پیش از هر چیز تلاش می‌کند تا فقدان در «دیگری بزرگ» را بپوشاند. بنابراین در وهله نخست به دنیای اجتماعی تعلق دارد؛ «خیال» در سمت «دیگری بزرگ» قرار می‌گیرد، دیگری بزرگ دچار فقدان (Stavrakakis, 2002: 51). او از «خیال» به عنوان انسجام‌بخش سازه‌های اجتماعی یاد می‌کند و تداوم انسجام ساختار اجتماعی را منوط به حفظ چارچوب «خیال» می‌داند، زیرا جامعه را دارای شکافی می‌داند که «خیال» به‌طور همیشگی نوید پر کردن آن را می‌دهد.

ژیاک نیز «خیال» را مفهومی به‌طور آشکار سیاسی می‌داند (Glynos & Stavrakakis, 2008: 15) و با تأکید بر نقش بسیار مهم «خیال» در ایدئولوژی و مطرح کردن آنچه نامش را «خیال» (فانتزی) ایدئولوژیک-اجتماعی می‌گذارد، مسئله را به این شرح بیان می‌کند: هدف خیال ایدئولوژیک-اجتماعی طراحی تصویری از جامعه است که به واقع وجود دارد، جامعه‌ای که توسط یک شکاف ضدیتی^۱ دوپاره نشده، جامعه‌ای که در آن روابط میان اجزا، اقدام‌واره^۲ و تکمیلی است (ژیاک، ۱۳۸۴: ۱۹۱). چنین جامعه یکپارچه و ارگانیک در واقع همان آرمانشهری است که در تمام تاریخ بشر ذهن متفکران آرمانشهرگرا^۳ را به خود مشغول کرده است، یعنی جامعه‌ای بدون درد و رنج و غم و اندوه و آکنده از شادی و سلامتی و صلح. مردمان این شهر همواره از بهترین نعمت‌ها برخوردارند و در قله قاف سعادت بشری با رهبری اندیشمندان دانا، روزگار بدون تاریخ خود را سپری می‌کنند؛ آنها بی‌خبر از گذشته و فارغ از آینده در روشنایی عقل کارافزا و علم جزوی از کمترین معیشت برخوردارند و با قناعت در صلح و سلم زندگی می‌کنند (داوری اردکانی، ۱۳۵۶: ۵۹).

1. Antagonistic
2. Organic
3. Utopianist

آرمانشهرها تصاویر اجتماعات آینده بشری‌اند که در آنها ستیزها و نابسامانی‌ها (عنصر امر سیاسی)^۱ برای همیشه برطرف و به دنیایی آکنده از صلح و هماهنگی منجر می‌شود... آرمانشهر راه‌حل خیالی برای تضاد اجتماعی ارائه می‌کند (استاوراکیس، ۱۳۹۸: ۹۱). بنابراین می‌توان «خیال» سیاسی را در بالاترین حد خود، با مدینه فاضله فلاسفه یا شهر موعود ایدئولوژی‌ها یکی دانست که قصد دارد تا بشر را پس از هزاران سال رنج، قحطی، جنگ و... به روزگار سرخوشی و کامیابی از دست‌رفته بازگرداند؛ و به باور لاکان خوش‌آیش گم‌شده بشر را به او بازگرداند. همان‌طور که اسون^۲ می‌گوید: آرمانشهر نوعی «خیال» است. فروید بیان داشت اگر کودک در حرمان ناشی از واقعیت، فضایی حفاظت‌کننده با «بازی» برای خود به‌وجود می‌آورد، فرد بالغ به «خیال»‌های خود پناه می‌برد تا خسارات ناشی از حرمان را جبران کند (اسون، ۱۳۹۹: ۱۰۱). به هر حال، در عمل تحقق چنین جامعه‌ای محال است، زیرا همان‌طور که گفته شد، لاکان به‌طور اساسی امکان پیدایش هر گونه «دیگری بزرگ» را که داری شکاف و فقدان^۳ نباشد یا هر نوع نظامی را که از تمامیت پایدار برخوردار باشد، منتفی می‌داند.

پس ایدئولوژی چطور می‌تواند وجود چنین فاصله و شکافی را توجیه کند، درحالی‌که «خیال» ایدئولوژیک وعده حذف آن را داده است. پاسخ را باید در وجود عاملی جست که با حضور و کنش خود شکاف را رقم می‌زند و مانع تحقق یکپارچگی و تمامیت می‌شود. همیشه عاملی بیرونی که موجب اخلال در مسیر تحقق «خیال» می‌شود، وجود دارد؛ و این عامل مخرب زمینه‌ساز فساد، بی‌نظمی و ناکامی در وصول به مقصد نهایی به‌شمار می‌آید. بنابراین مشخص می‌شود که ایدئولوژی سیاسی-اجتماعی از آنجا که قادر به پر کردن این شکاف ذاتی در جامعه به‌مثابه «دیگری بزرگ» نیست، تلاش می‌کند تا با فراقنی مشکل بر روی یک عنصر مزاحم خارجی، این گسل را پنهان کند و با وعده حذف و نابودی این عامل مخرب، میل به رسیدن به جامعه یکدست و یکپارچه را زنده نگه‌دارد. به نظر ژینزک، «خیال» و «ایدئولوژی» همان نقشی را بر عهده دارند که شکاف میان «امر واقع» و نظام نمادین را می‌پوشانند. از آنجا که رسیدن به جامعه و وجودی هماهنگ^۴ و کامل، امری محال است، باید این محال، شکل و نامی به آن داده شود تا این اتحاد و منسجم بودن خیالی و نمادین جامعه، به امری منطقی و سیاسی پذیرفتنی تبدیل شود؛ یعنی اگر جامعه وحدتی کاذب را برای خود ایجاد نکند، به

1. The Political

2. Paul-Laurent Assoun

۳. فقدان به محدودیت‌های نمادین گفتمان اشاره دارد، و هم‌زمان شرایط امکان و نیز نبود امکان هژمونی را فراهم می‌کند. برای دستیابی به یک همان‌نگاری (هویت‌یابی) کامل انگیزه ایجاد می‌کند، درست در همان زمانی که از تحقق آن ممانعت می‌کند (Muller, 2013: 1).

4. Harmonic

جامعه تبدیل نخواهد شد. مخالفت با یهودیان در دوران نازی در آلمان نمونه‌ای آشکار از این وضعیت است (علی، ۱۳۹۸: ۱۱۷). در این نمونه یهودیان سپر بلای «خیالی» (فانتزی) ای شدند که هیتلر و حزب نازی، برای جامعه آلمانی‌ها خلق کرده بودند. «خیالی» که براساس آن قرار بود آلمانی‌های سرخورده و تحقیرشده از شکست جنگ جهانی اول، روزگار شکوه و عظمت خود را بازیابند و بر جهان سروری کنند، اما همان‌طور که ژیتک می‌نویسد: «خیال» وسیله‌ای است برای یک ایدئولوژی تا شکست خود را پیشاپیش به حساب آورد (ژیتک، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

ژیتک همواره بر نقش سازنده «خیال» در ایدئولوژی تأکید دارد و کارکرد «خیال» ایدئولوژیک-اجتماعی را پنهان کردن این نبود انسجام می‌داند و به ایدئولوژی فاشیسم اشاره می‌کند که چگونه درحالی‌که پیشاپیش از نبود توفیق خود آگاه است، اما یهودیان را عامل اصلی تحقق نیافتن جامعه آرمانی می‌داند و به مردم می‌شناساند. وی چنین می‌نویسد: «کل ایدئولوژی فاشیستی^۱ به منزله مبارزه علیه همان عنصری ساخت می‌یابد که ناممکن بودن درونی خود پروژه فاشیستی را تجسم می‌بخشد: فرد یهودی چیزی نیست، مگر تجسم شیء باورانه نوعی انسداد بنیادین» (ژیتک، ۱۳۸۴: ۱۹۲). از نظر وی، نه تنها فرد یهودی یا هر نژاد، مذهب، اندیشه و ... - که توسط تمامی خواه به عنوان عنصر مخرب معرفی شود- عامل انسداد مسیر موفقیت نیست، بلکه جامعه به دلیل ذات و سرشت ضدیتی خود از رسیدن به هویتی یکپارچه و تمامیت موعود باز می‌ماند؛ و این منع درونی خود را بر روی عنصر مخرب (به طور مثال فرد یهودی)، فرافکنی می‌کند. جنبه خطرناک آرمانشهرگرایی^۲ درست در همین نقطه خود را آشکار می‌کند؛ جایی که آرمانشهرگرا برای رسیدن به جامعه‌ای یکدست و سرشار از صلح، مجوز خشن‌ترین نوع برخوردها را با گروهی که از نظر وی، عنصر مخرب تلقی می‌شوند، صادر می‌کند و این نوابت^۳ را موجوداتی می‌داند که باید در صورت امکان آنها را به خدمت گرفت، در غیر این صورت نابودشان کرد؛ یعنی برای رسیدن به صلح و آرامش و برای حذف اختلاف‌ها، حذف کامل گروه مخالفان را تجویز می‌کند.

شاید به همین مناسبت کارل پوپر^۴، افلاطون را نخستین تدوین‌کننده اندیشه آرمانشهری، نظریه‌پرداز تمامی خواهی^۵ و دشمن جامعه آزاد معرفی می‌کند. اندیشمندان مکتب لاکان، هر گونه تقابل با نیروهای ناهمسو با آرمان‌های گفتمان غالب به بهانه یکدست کردن جامعه و

1. Fascist ideology
2. Utopianism

۳. نوابت اصطلاحی است که ابو نصر فارابی برای دگراندیشان در مدینه فاضله خود به کار می‌برد.

4. Karl Popper
5. Totalitarianism

تشکیل جامعه‌ای آرمانی، مبتنی بر وحدت و هماهنگی^۱ مطلق را وصول‌نشدنی، و چنین تلاش‌هایی را به دلیل تکثر ذاتی موجود در متن جوامع بشری، محکوم به شکست می‌دانند.

۳.۳. نقطه گره‌گاهی^۲ در «خیال» سیاسی

همانند هر واقعیت دیگری، دنیای سیاست‌ورزی نیز، در سطح نمادین (از راه مداخله سازوکارهای کنایه‌ای و استعاره‌ای و نیز نقاط کاپیتون و دال‌های تهی) ساخته شده و از جانب چارچوب‌های «خیالی» حمایت می‌شود، که با وعده لنگرگاهی در ساحت واقع، انسجام خیالی آن را فراهم می‌کنند (Stavrakakis, 2002: 76). باید توجه داشت که نقاط کاپیتون که در این عبارت از استاوراکاکیس از آنها یاد می‌شود، در گفتمان لاکانی نقش عمده‌ای در انسجام جامعه و حفظ چارچوب «خیال»‌های سیاسی دارند. در زبان‌شناسی لاکان دال‌ها سیال هستند و معنا از دالی به دال دیگر منتقل می‌شود، و نوعی زنجیره دلالت‌گری به وجود می‌آید، اما این به معنای بی‌پایان بودن این زنجیره دلالت‌گری نیست، بلکه در یک گفتمان خاص، نقطه گره‌گاهی، پایان‌بخش این زنجیره خواهد بود. نقطه کاپیتون دالی است که همانند یک نقطه دوخت، دال‌های شناور را حول خود جمع و آنها را معنادار می‌کند؛ و به این ترتیب زنجیره بی‌پایان دلالت‌گری را متوقف کرده، مجموعه‌ای از دال‌ها را انسجام می‌بخشد و به این شکل یک ساختار گفتمانی را منسجم می‌کند.

استاوراکاکیس مصداقی بارز از اهمیت نقطه کاپیتون در بر ساختن و سازوارمند کردن یک گروه یا ابژه اجتماعی-سیاسی را، توصیف فروید از عوامل یگانه‌ساز توده‌ها می‌داند. از دید فروید، آنچه می‌تواند هزاران یا میلیون‌ها نفر را یگانه سازد، رابطه هریک از آنها با رهبر (سیاسی، مذهبی یا نظامی)، یا با ایده‌ای است که به عنوان یک نقطه کاپیتون، یعنی یک نقطه مشترک مرجعیتی عمل می‌کند. هنگامی که رهبر به هر دلیلی از بین برود، توده‌ها هم یگانگی خویش را از دست می‌دهند. از این رو، این نقطه کاپیتون است که یگانگی را سبب می‌شود (جهانگیری و بندرریگی‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۵). با توجه به جایگاه مهم نقطه کاپیتون در ایجاد یکپارچگی در میان دال‌ها و در نظام معنایی می‌توان درک کرد که چرا این مفهوم در تحلیل لاکان از ایدئولوژی نقش محوری پیدا می‌کند. از این نظر گفتمان ایدئولوژیک را باید به عنوان مفصل‌بندی یا زنجیره‌ای از عناصر ایدئولوژیک حول نقطه گره‌ای^۳، نقطه کاپیتون (یا گروهی از نقاط گره‌ای)، تصور کرد. بنابراین نقطه کاپیتون دالی است که معنا را تثبیت و عناصر شناور آزاد را به مجموعه گفتمان ایدئولوژیک منتقل می‌کند (Stavrakakis, 2002: 79). نکته مهم و

1. Harmony
2. Points de Capiton
3. Nodal Point

مرتبط با بحث ما این است که ساخت نمادینی که پیرامون نقطه کاپیتون مفصل‌بندی شده و مبتنی بر محرومیت از ساخت واقع است، فقط در چارچوب یک «خیال» مشخص می‌تواند به درستی کارکرد داشته باشد؛ دال تهی تنها به‌عنوان ابژه آ-کوچک^۱ می‌تواند کارکرد داشته باشد (Stavrakakis, 2002: 81).

پیش‌تر در بخش ساحت خیالی مطرح شد که نوزاد با نگاه کردن به ابژه آ-کوچک برای خود یک تمامیت و یکپارچگی قائل می‌شد، و به نخستین تعریف از خود می‌رسید؛ و نیز بیان شد که از نظر لاکان این آغاز «خیال» پردازشی‌های سوژه است. حال مشاهده می‌شود که در ساختار یک گفتمان ایدئولوژیک، دال تهی همان نقش ابژه آ-کوچک را ایفا می‌کند، و در چارچوب یک «خیال» فراگیر و گسترده وعده تمامیت و یکپارچگی را به پیروان ایدئولوژی می‌دهد. به‌طور مثال، یک ایدئولوژی ملی‌گرایی^۲ در جامعه‌ای خاص، حول مفهوم «ملت» شکل می‌گیرد؛ همین مفهوم است که دال‌های دیگر را حول خود مفصل‌بندی کرده و انسجام جامعه را محقق می‌کند. واقعیت سیاسی‌ای که در چنین جامعه‌ای شکل می‌گیرد، در واقع ساختی نمادین دارد که از راه مفصل‌بندی دال‌های تهی و شناور بسیاری، حول نقطه کاپیتون (ملت)، پدید می‌آید و ساختاری «خیال»‌گونه دارد. هومر از این نقاط کاپیتون به‌عنوان نقاط لنگرگاه^۳ یاد می‌کند، و عملکرد آنها را همانند عملکرد نقطه دوخت روی مبل یا تشک می‌داند که مواد داخل آن را محکم در جای خود نگه‌می‌دارد (Homer, 2005: 4). از نظر لاکان، همان‌طور که سوژه در تمام دوران عمر خود چه در مرحله آینه‌ای و چه در ساحت نمادین، به‌دنبال هویتی پایدار و یکپارچه است که بتواند با آن تمامیت را تجربه کرده و بر اضطراب و ترس خود غلبه کند، همه ایدئولوژی‌هایی که در تلاش برای ساخت یک واقعیت سیاسی‌اند، تا اندازه‌ای به‌دنبال گذر از به‌هم‌ریختگی و رسیدن به انسجام و تمامیت‌اند، بنابراین «خیالی» خلق می‌کنند که وعده تحقق آرمانشهر موردنظرشان را می‌دهد. این وعده آرمانشهری باید قدرت آفرینش نقاط کاپیتونی را داشته باشد که بتوانند با مفصل‌بندی^۴ سایر دال‌های شناور حول خود معنای مورد نیاز کنشگران را فراهم آورند، و آنها را به کنشگری در مسیر تحقق رؤیای آرمانشهر ترغیب کنند. با این همه، در عمل ایدئولوژی‌ها به‌طور معمول این نقطه کاپیتون را از خود جامعه می‌گیرند. بدین‌معنا که چون آرمانشهر قرار است خوش‌آیش گمشده جامعه را به آن بازگرداند، به‌طور معمول ایدئولوژی‌ها برای جمع کردن همه افراد پیرامون گفتمان خود دست روی گمشده‌های جامعه می‌گذارند. به‌طور نمونه، جامعه‌ای که بر اثر هجوم قومی بیگانه مورد ظلم و

1. "a"

2. Nationalist ideology

3. Anchoring Points

4. Articulation

ستم قرار گرفته و همواره به آن‌ها به چشم قوم فرودست نگریسته شده است، به‌طور قطع آرمانشهری را طلب می‌کند که حول مفهوم «عدالت» و «انتقام از ظالم» شکل گرفته باشد.

۴. نتیجه

«خیال» مربوط به پوشاندن فقدان در «دیگری بزرگ» می‌شود، بنابراین در وهله نخست باید آن را متعلق به ساحت اجتماعی دانست. سوژه می‌خواهد تا ابژه میل «دیگری بزرگ» شود، پس میل او میل «دیگری بزرگ» می‌شود و می‌کوشد تا به تمامیت برسد؛ غافل از اینکه «دیگری بزرگ» خود دارای شکاف است و «خیال» قصد پوشاندن این شکاف را دارد. نقش «خیال» نه پر کردن، بلکه خلق سناریویی برای پنهان کردن ترک‌های ذات ضدیتی (آنتاگونیستی) جامعه است. بنابراین براساس گفتمان لاکان، می‌توان استدلال کرد که همه ایدئولوژی‌ها و مکاتب سیاسی از آرمانشهرهای افلاطون و فارابی تا جنبش‌های کمونیستی و فاشیستی، هر جا که وعده تمامیت و جامعه همگن غیرکثرت‌گرا^۱ به مردم داده شده، آن وعده تنها «خیالی» بوده که تلاش داشته تا با پنهان کردن شکاف‌ها و فقدان‌های ذاتی عرصه اجتماعی و پوشاندن تکثرهای طبیعی و نادیده گرفتن ضدیت و اختلاف‌های ذاتی موجود در اجتماع، نوید تمامیت و یکپارچگی و جامعه‌ای سراسر خیر و نیکی را به پیروان خود بدهد که خورشید سعادت بشری در آن هرگز غروب نخواهد کرد، جامعه‌ای بسامان که محل بازیابی و جمع شدن همه خیرات و خوبی‌ها و فضایل شده و از هر گونه شرارت و شیطان‌صفتی پاک است؛ جایی که در آن اختلاف‌ها و خشونت و تعارض‌ها جای خود را به وحدت و همدلی و رفاه مطلق می‌دهد. تا به این ترتیب بر ذهن مخاطبان خود کنترل پیدا کند و با فروزان نگه‌داشتن شعله میل به سعادت و تمامیت در ذهن و دل ایشان، آنها را به کنشگری در راه اهداف و مقاصد خود وادارد.

این همان اندیشه اتوپیایی یا آرمانشهری است که بشر در فقدان بهشت گمشده و خوش‌آیش ازدست‌رفته خود، تصویر آن را بر بوم خیال خود نقش می‌بندد و این جهان رؤیایی را در قاب افسانه‌ها و داستان‌ها به نمایش درمی‌آورد، البته در هر روزگاری اندیشمندی یا گروهی در چارچوب یک فلسفه یا ایدئولوژی در پی تحقق آن برمی‌آیند؛ آرمانشهرهایی که گاه مبتنی بر «خیال» برتری نژادی یا دینی‌اند و گاه براساس ایدئولوژی‌های خاص سیاسی، وعده خیر، رفاه یا برابری مطلق می‌دهند؛ یا اینکه چشم‌اندازی از پایان تاریخ در پناه یک اندیشه خاص ارائه می‌کنند. همه آنها تلاش دارند تا با دادن وعده تمامیت به پیروان خود گفتمانی را خلق کنند که بتواند با قدرت بسیج‌گری بالا مخاطبان را به کنشگری در راه رسیدن به تمامیت

ترغیب کند. به هر حال، از آنجا که همه این اندیشه‌ها از پیش به شکست خود آگاه بوده‌اند، همواره خواسته‌اند تا با معرفی عنصر مخرب بیرونی به‌عنوان عامل اغتشاش و مانع رسیدن به سعادت، شکست خود را از پیش توجیه کنند و با وعده حذف آن عامل مخرب، عنصر میل به تلاش و حرکت برای رسیدن به اجتماعی یکدست، یکپارچه و مبرا از هر گونه نقص و کاستی را در پیروان ایدئولوژی، همچنان زنده و پویا نگه‌دارند. به اعتقاد برخی اندیشمندان، همین تمایل به یک‌صدایی و هماهنگی مطلق، سبب گرایش آرمانشهرگرایان به تمامی‌خواهی (توتالیتریسم) و سرکوب آزادی‌های بنیادی جامعه و شکل‌گیری شدیدترین و خشن‌ترین نوع برخورد‌ها با گروه‌های مخالف می‌شود.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره را به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

۱. احمدزاده، شیده. (۱۳۸۶) «ژاک لاکان و نقد روانکاوی معاصر»، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، ۲، ۴: ۹۳-۱۰۸. در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/540175> (۱۰ بهمن ۱۳۹۹).
۲. استاوراکاکیس، یانیس. (۱۳۹۸) *لاکان و امر سیاسی*، ترجمه محمدعلی جعفری. تهران: ققنوس.
۳. اسون، پل لوران. (۱۳۸۶) *لاکان*، ترجمه مرضیه خزائی و مهرگان نظامی‌زاده. تهران: ثالث.
۴. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۶) «روانکاوی و سیاست»، پژوهش سیاست‌نظری، ۳، ۴: ۱۹-۴۵. در: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=81248> (۱۰ بهمن ۱۳۹۹).
۵. جهانگیری، جهانگیر؛ علی بندریگی‌زاده. (۱۳۹۱) «جایگاه مفاهیم دوسوسوری- لکانی در نظریه لاکانو و موف در باب گفت‌مان»، *دوفصلنامه شناخت*، ۵، ۲: ۶۹-۹۴. در: <https://www.magiran.com/paper/1233567> (۱۰ بهمن ۱۳۹۹).
۶. حاجی‌آقابابایی، محمدرضا. (۱۳۹۷، بهار) «خوانش حکایت پیر چنگی از منظر نظریه لاکان»، *فصلنامه عرفان اسلامی*، ۱۴، ۵۵: ۶۹-۵۳. در: http://mysticism.sinaweb.net/article_542376_11cecf13d9831ecc49d57a16e152b107.pdf (۱۰ بهمن ۱۳۹۹).
۷. حقیقت، صادق. (۱۳۸۷) *روش‌شناسی علوم سیاسی*. قم: دانشگاه مفید.
۸. حیدری، آرش. (۱۳۹۱) «فروید و آلتوسر: جنبه‌های جامعه‌شناختی روانکاوی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۳، ۳: ۲۴-۳. در: http://www.jsi-isa.ir/article_21042.html (۱۰ بهمن ۱۳۹۹).
۹. حیدری، فاطمه؛ میثم فرد. (۱۳۹۳، تابستان) «خوانش لاکانی امر سیاسی در رمان همسایه‌ها»، *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*، ۵، ۱۶: ۴۶-۶۳. در: <https://www.magiran.com/paper/1353709> (۱۰ بهمن ۱۳۹۹).

۹. خشک‌جان، زهرا. (۱۳۹۹) *برساخت‌گرایی اجتماعی و مسئله معنا*. تهران: کویر.
۱۱. داوری اردکانی، رضا. (۱۳۵۶) *فارابی، مؤسس فلسفه اسلامی*. تهران: انجمن فلسفه ایران.
۱۲. ———. (۱۳۷۹) *اوتوپی و عصر تجدد*. تهران: ساقی.
۱۳. ژیزک، اسلاوی. (۱۳۸۴) *گزیده مقالات: نظریه، سیاست، دین*، ترجمه مراد فرهادپور، مازیار اسلامی و امید مهرگان. تهران: گام نو.
۱۴. ———. (۱۳۹۰) *امر واقع لاکانی*، ترجمه مهدی سلیمی. تهران: رشد آموزش.
۱۵. شهریار، مرضیه؛ مریم مختاری. (۱۳۹۶) «کاربست مفهوم فانتزی عشق لاکان در تبیین طلاق به‌منزله مسئله اجتماعی»، *زن در فرهنگ و هنر*، ۹، ۱: ۷۳-۹۲. در: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=309726> (۱۰ بهمن ۱۳۹۹).
۱۶. علی، بختیار. (۱۳۹۵) *آیا با لاکان می‌توان انقلابی بود*، ترجمه سردار محمدی. تهران: افراز.
۱۷. فرشید، سیما؛ بیتا دارابی. (۱۳۹۱) «نظم‌های سه‌گانه لاکان در نمایشنامه سیر طولانی روز در شب اثر یوجین اونیل»، *نقد زبان و ادبیات خارجی*، ۵، ۱: ۱۳۵-۱۵۰. در: https://cls.sbu.ac.ir/article_99471.html (۱۰ بهمن ۱۳۹۹).
۱۸. فرکلاف، نورمن. (۱۳۹۵) «تحلیل گفتمان انتقادی»، در *تحلیل گفتمان سیاسی*، ترجمه امیر رضایی‌پناه و سمیه شوکتی مقرب. تهران: تیسرا.
۱۹. فن‌دیک، تون. (۱۳۹۵) «تحلیل گفتمان اجتماعی»، در *تحلیل گفتمان سیاسی*، ترجمه امیر رضایی‌پناه و سمیه شوکتی. تهران: تیسرا.
۲۰. فینک، بروس. (۱۳۹۷) *سوژه لاکانی*، ترجمه محمدعلی جعفری. تهران: ققنوس.
۲۱. لاکان، ژاک. (۱۳۹۷) *آموزه من*، ترجمه احسان کیانی‌خواه. تهران: حرفه نویسنده.
۲۲. مشیرزاده، حمیرا؛ سجاد مینادی. (۱۳۹۸) «تحلیل لاکانی از ناسیونالیسم بلندپروازانه پهلوی»، *فصلنامه سیاست*، ۴۹، ۱: ۲۲۵-۲۴۴. <DOI:10.22059/jpq.2019.221060.1006960>.
۲۳. مهری، بهروز. (۱۳۹۴) «خوانشی لاکانی از غم‌نامه رستم و اسفندیار»، *مجله شعر پژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز*، ۷، ۴: ۱۶۶-۱۴۱. در: <https://www.magiran.com/paper/1513358> (۱۰ بهمن ۱۳۹۹).
۲۴. نظری، علی‌اشرف. (۱۳۹۷) «روانکاوی لاکانی و امکان بازآفرینی امر سیاسی: بازخوانی انتقادی لاکان و امر سیاسی»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۸، ۶: ۳۱۱-۳۲۲. در: <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=495416> (۱۰ بهمن ۱۳۹۹).

ب) انگلیسی

25. Chiesa, Lorenzo, ed. (2014) *Lacan and Philosophy: The New Generation*. Melbourne: Re.Press.
26. Evans, Dylan. (2006) *An Introductory Dictionary of Lacanian Psychoanalysis*. New York: Routledge.
27. Gardiner, Raleigh M. (2014, Spring) *Desire and Fantasy: The Conditions of Reality between the Self and the Other (2014)*. Graduate School of Art Theses, Washington University Open Scholarship, ETD 22, <DOI:10.7936/K74Q7RW4>.
28. Glynos, Jason; and Yannis Stavrakakis. (2008) "Lacan and Political Subjectivity: Fantasy and Enjoyment," *Subjectivity* 24, 1: 256-274, <DOI:10.1057/sub.2008.23>.

29. Goncalves, Jorge. (2012, July) "Is Lacan's Theory of the Mirror Stage Still Valid?" *Psychology Research* 2, 7: 431-440, <DOI:10.17265/2159-5542/2012.07.005>.
30. Hendrix, John Shannon. (2019, October) "The Imaginary and Symbolic of Jacques Lacan," *Architecture, Art, and Historic Preservation Faculty Publication* 45: 1-23. Available at: https://docs.rwu.edu/saahp_fp/45 (Accessed 1 August 2021).
31. Homer, Sean. (2005) *Jacques Lakan*. New York: Routledge.
32. Knudsen, Daniel C., Jillian M Rickly; and Elizabeth S. Vidon. (2016, May) "The Fantasy of Authenticity: Touring with Lacan," *Annals of Tourism Research* 58: 33-45, <DOI: 10.1016/J.ANNALS.2016.02.003>.
33. Macdonell, Diane. (2007) "Toward a Neo-Lacanian Theory of Discourse," *Theories of Discourse*. Pittsburgh: University of Pittsburgh Press, 33-66. Available at: <https://upittpress.org/wp-content/uploads/2019/07/9780822959625exr.pdf> (Accessed 1 August 2021).
34. Muller, Martin. (2012, May) "Lack and Jouissance in Hegemonic Discourse of Identification with the State," *Organization* 20, 2: 279-298, <DOI:10.1177/1350508412445041>.
35. Newman, Saul. (2004, December) "Interrogating the Master: Lacan and Radical Politics," *Psychoanalysis, Culture & Society* 9, 3: 298-314, <DOI:10.1057/PALGRAVE.PCS.2100021>.
36. Ormrod, James. (2014) *Fantasy and Social Movements*. London: Palgrave Macmillan.
37. Salder, Gregory. (2006, Fall) "Situating Lacan's Mirror Stage in the Symbolic Order," *Journal of Philosophy* 2, 5: 10-18, <DOI: 10.5840/jphilnepal2006259>.
38. Sheikh, Farooq Ahmad. (2017, January) "Subjectivity, Desire and Theory: Reading Lacan," *Cogent Arts & Humanities* 4, 1: 1-12, <DOI:10.1080/23311983.20171299565>.
39. Skodo, Amir. (2007) "On a Paradoxical Jouissance, or the Limit of Desire and Fantasy Kierkegaard Through Lacan," *Advance Essay*, Center for Theology and Religious Studies, Lund University. Available at: <https://lup.lub.lu.se/download?func=downloadFile&recordId=1323046&fileId=1323047> (Accessed 1 August 2021).
40. Stavrakakis, Yannis. (2002) *Lacan and the Political*. New York: Routledge.



Research Paper

Jacques Lacan and Political Fantasy

Hossein Moein Abadi Bidgoli¹*, Rasool Taghizadeh²

¹ Assistant Professor, Political Science Shadid Bahonar University, Kerman

² M.A Student in Political Science, Shadid Bahonar University, Kerman

Received: 25 February 2021, Accepted: 25 October 2021

© University of Tehran

Abstract

As a consequence of taking psychology out of the realm of the individual, the French philosopher and psychoanalyst Jacques Lacan has introduced concepts which have been highly regarded by philosophers and socio-political theorists. One of the most important concepts in Lacanian terminology is 'fantasy'. The authors' main objective is to carefully explain the concept of fantasy as used in Lacan's theoretical discussions, and then examine the socio-political function of fantasy as a concept that facilitates social reproduction of the ideology of force in totalitarian structures by creating an idealistic and mobilizing discourse. In search of a proper and convincing answer to the question of what is the significance of Lacan's fantasy, we use Fairclough's critical discourse analysis method to explore the relationship between this concept and power as one of its socio-political functions. It is important to look at how concepts are used in ideological discourses for the abuse of power which could in turn lead to inequality, and discrimination. A critical discourse analyst seeks to define the concepts which are used in hegemonic discourse to establish the power of a hegemon in society. In the theoretical section, an introduction to Lacanian psychology and its relation to socio-political analysis is presented, and then there is an attempt to describe how the subject is constructed from Lacan's point of view. As a starting point and background for understanding the core of Lacanian psychoanalysis, three concepts of mirror (the imaginary), the symbolic, and the real, and the stages of formation and construction of other concepts such as the O/other and jouissance are described. Lacan argues that the subject always seeks to reach wholeness in two imaginary and symbolic realms and in the process of his subjectivity, but this effort of the subject is only an unattainable fantasy because both of these realms have disjunctions and gaps, and the wholeness is in the real, where it is unattainable. Fantasy covers this failure with its elements and overcomes the loss in the Other, and it must also be considered to belong to the social sphere.

* Corresponding Author Email: moeini@uk.ac.ir

According to Lacan's discourse, in all ideologies and political schools, from the utopianism of Plato and Farabi to the communist and fascist movements, wherever people are promised a united and homogeneous non-pluralistic society, those promises are only "fantasy" in order to hide the gaps and inherent shortcomings of the social arena and cover the natural pluralities and ignore the antagonism and inherent differences in society. The purpose is to promise an imaginary society full of goodness in which the sun of happiness never sets on the followers and the believers. This is a well-organized society that has become the place of retrieval and accumulation of all good virtues, free from all evils. This is a society where differences, violence and conflicts give way to unity, empathy and absolute prosperity. This is the utopian idea that human beings, in the absence of their lost paradise and lost jouissance, paint its image on their imaginary canvases which show this dream world in myths and stories. Of course, a thinker or a group of theorists within the framework of a philosophy or ideology from time to time have tried to seek the realization of this utopia which is sometimes based on the "fantasy" of racial or religious superiority and occasionally promise goodness, prosperity or absolute equality on the basis of certain political ideology. However, since almost all scholars who utopianize were already aware of their failure, they always wanted to justify their failure by introducing an external destructive element as a cause of turmoil and obstacle to happiness. They then make promises about eliminating the destructive and obstructive factor in order to keep alive the element of desire to strive in an attempt to achieve a unified and harmonious society which is free from any defects and shortcomings for the adherents of the endorsed ideology. According to some scholars, this desire for a single voice and absolute harmony leads to the desire of utopianists for totalitarianism and the suppression of the fundamental freedoms of society leading to the most severe and violent forms of confrontation with opposition groups. Accordingly, the commentators of Lacanian psychoanalytic discourse interpret the design of all ideologies and political schools advocating reforms in pursuit of a utopia based on unity and solidarity as mere "fantasies" which in fact are grounds for totalitarianism.

Keywords: Fantasy, Lacan, the O/other, Jouissance, Utopia

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0002-2378-5774>

References

- Ahmadzade, Shide. (2007) "Jāck Lācān va naghd-e ravān'kāvi-ye moāser (Jacques Lacan and the Critique of the Contemporary Psychology)," *Pazhohesh'nāmeḥ-ye Farhangestān-e Honar (Journal of the Iranian Academy of Arts)* 4: 93-108. Available at: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/540175> (Accessed 29 January 2021). [in Persian]
- Ali, Bakhtyar. (2016) *Ayā ba Lācān mitavān enghelābi bood (Can we be a Revolutionary with Lakan)?* trans. Sardar Mohammadi. Tehran: Afraz. [in Persian]
- Assoun, Paul-Laurent. (2007) *Lacan*, trans. Marziye Khazaei, and Mehregan Nezamizadeh. Tehran: Sāles [in Persian]
- Chiesa, Lorenzo, ed. (2014) *Lacan and Philosophy: The New Generation*. Melbourne: Re.Press.
- Davari Ardakani, Reza. (2000) *Otopi va asr-e tajaddod (Utopia and the Age of Modernity)*. Tehran: Saqi. [in Persian]
- . (1977) *Fārābi: moassess-e falsafeh-ye Eslāmi (Farabi, the Founder of Islamic Philosophy)*. Tehran: Iranian Philosophical Society. [in Persian]
- Evans, Dylan. (2006) *An Introductory Dictionary of Lacanian Psychoanalysis*. New York: Routledge.
- Fairclough, Norman. (2016) "Tahlil-e goftemān-e enteghādi (Critical Discourse Analysis)," in *Tahlil-e goftemān-e siyāsi (Political Discourse Analysis)*, trans. Amīr Rezaei Panah and Somaye Shokati Mogharab. [in Persian]
- Farshid, Sima; and Bitā Darabi. (2012) "Nazm'hā-ye ce'gāneh-ye Lācān dar namāyesh'nāmeḥ-ye seir-e tolāni-ye rooz in āsār-e ujean oneil (Lacanian Three Orders in Long Day's Journey into Night Play)," *Du'fasl'nāmeḥ-ye naghd-e zabān va adabiyāt-e khāreji (Critical Language and Literary Studies)* 5, 1: 135-150. Available at: https://cills.sbu.ac.ir/article_99471.html (Accessed 29 January 2021). [in Persian]
- Fink, Bruce. (2018) *Soje-ye Lācāni (Lacanian Subject)*, trans. Mohammad Ali Jafari. Tehran: Ghoghnoos. [in Persian]
- Gardiner, Raleigh M. (2014, Spring) *Desire and Fantasy: The Conditions of Reality between the Self and the Other* (2014). Graduate School of Art Theses, Washington University Open Scholarship, ETD 22, <DOI:10.7936/K74Q7RW4>.
- Glynos, Jason; and Yannis Stavrakakis. (2008) "Lacan and Political Subjectivity: Fantasy and Enjoyment," *Subjectivity* 24, 1: 256–274, <DOI:10.1057/sub.2008.23>.
- Goncalves, Jorge. (2012, July) "Is Lacan's Theory of the Mirror Stage Still Valid?" *Psychology Research* 2, 7: 431-440, <DOI:10.17265/2159-5542/2012.07.005>.
- Haghighat, Sadeq. (2008) *Ravesh'shenāsi-ye Olom-e siyāsī (Methodology of Political Science)*. Qom: Mofid University. [in Persian]

- Haji-Aghababaei, Mohammad Reza. (2016) "Khānesh-e hekāyat-e pir changi az manzar-e nazariyeh-ye Lācān (Reading Pir Changi's Story from the Perspective of Lacan's Theory)," *Fasl'nāmeḥ-ye erfān-e Eslāmi (Journal of Islamic Mysticism)* 14, 55: 53-69. Available at: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=361053> (Accessed 29 January 2021). [in Persian]
- Hendrix, John Shannon. (2019, October) "The Imaginary and Symbolic of Jacques Lacan," *Architecture, Art, and Historic Preservation Faculty Publication* 45: 1-23. Available at: https://docs.rwu.edu/saahp_fp/45 (Accessed 1 August 2021).
- Heydari, Arash. (2012) "Freud va altrooser: janbe'hā-ye jāme'eh'shenākhti ravān'kāvi (Freud and Althusser: Sociological Aspects of Psychoanalysis)," *Majaleh'i jāme'eh'shenāsi-ye Irān (Iranian Journal of Sociology)* 13, 3: 3-24. Available at: http://www.jsi-isa.ir/article_21042.html (Accessed 29 January 2021). [in Persian]
- Heydari, Fatemeh; and Meisam Fard. (2014, Summer) "Khānesh-e Lācāni-ye amr-e siyāsī dar romān-e hamsāye'hā (Lacanian Reading of Politics in the Novel Neighbors)," *Pazhohesh'hā-ye naghd-e adabi va sabk'shenāsi (Journal of Literary Criticism and Stylistics Research)* 5, 16: 43-66. Available at: <https://www.magiran.com/paper/1353709> (Accessed 29 January 2021). [in Persian]
- Homer, Sean. (2005) *Jacques Lakan*. New York: Routledge.
- Jahangiri, Jahangir; and Ali Bandar Rigizaded. (2012) "The Importance of de Saussurian-Lacanian Concepts in Laclau and Moffe's Theory of Discourse," *Du'fasl'nāmeḥ-ye Shenākht (Biannual Journal of Knowledge)* 5, 2: 69-94. Available at: <https://www.magiran.com/paper/1233567> (Accessed 29 January 2021). [in Persian]
- Khoshkjan, Zahra. (2020) *Barsākht'garāi-ye ejtemā'i va masā'leh-ye ma'nā (Social Constructivism and the Question of Meaning)*. Tehran: Kavir. [in Persian]
- Knudsen, Daniel C., Jillian M Rickly; and Elizabeth S. Vidon. (2016, May) "The Fantasy of Authenticity: Touring with Lacan," *Annals of Tourism Research* 58: 33-45, <DOI: 10.1016/J.ANNALS.2016.02.003>.
- Lacan, Jacques. (2018) *Amozeh-ye man (My Teaching)*, trans. Ehsan Kianikhah. Tehran: Herfeh Nevisandeh. [in Persian]
- Macdonell, Diane. (2007) "Toward a Neo-Lacanian Theory of Discourse," *Theories of Discourse*. Pittsburgh: University of Pittsburgh Press, 33-66. Available at: <https://upittpress.org/wp-content/uploads/2019/07/9780822959625exr.pdf> (Accessed 1 August 2021).
- Mehri, Behrouz. (2016) "Khānesh-e Lācāni az kham'nāmeḥ-ye rostam va esfandiyār (A Lacanian Reading from Rostam and Esfandiar Threnode)," *Majaleh'i Shēr'pajohi-ye Boostan-e adab (Journal of Boustān Adab)* 7, 4: 141-166. Available at: <https://www.magiran.com/paper/1513358> (Accessed 29 January 2021). [in Persian]
- Moshizadeh, Homeira; and Sajjad Minadi. (2019, Spring) "Tahlil-e Lācāni az nacionālizm-e boland'parvāzāneh-ye Pahlavi (Pahlavi's Nationalism: A Lacanian Analysis)," *Fasl'nāmeḥ-'i Siyāsāt (Politics*

- Quarterly*) 49, 1: 225-244, <DOI/10.22059/JPQ.2019. 221060.1006960>. [in Persian]
- Muller, Martin. (2012, May) "Lack and Jouissance in Hegemonic Discourse of Identification with the State," *Organization* 20, 2: 279-298, <DOI:10.1177/1350508412445041>.
- Nazari, Aliashraf. (2018) "Ravān'kāvi-ye Lācāni va emkān-e bāz'āfarini-ye amr-e siyāsī: bāz'khāni-ye enteghādi-ye Lācān va amr-e siyāsī (Lacanian Psychoanalysis and the Possibility of Re-invention of the Political: A Critical Review of Lacan and the Political)," *Pazhohesh'hā-ye enteghādi-ye motoon va barnāme'hā-ye oloom-e ensāni (Critical Studies in Text & Programs of Human Sciences)* 18, 6: 329-348. Available at: <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=495416> (Accessed 29 January 2021). [in Persian]
- Newman, Saul. (2004, December) "Interrogating the Master: Lacan and Radical Politics," *Psychoanalysis, Culture & Society* 9, 3: 298-314, <DOI:10.1057/PALGRAVE.PCS.2100021>.
- Ormerod, James. (2014) *Fantasy and Social Movements*. London: Palgrave Macmillan.
- Salder, Gregory. (2006, Fall) "Situating Lacan's Mirror Stage in the Symbolic Order," *Journal of Philosophy* 2, 5: 10-18, <DOI: 10.5840/jphilnepal2006259>.
- Shahriari, Marzieh; and Maryam Mokhtari. (2017) "Kar'bast-e mafhoom-e fantasy-e eshgh-e Lācān dar tabyīn-e talagh be manzaleh-ye masā'leh-ye ejtemā'i (Applying the Concept of "Fantasy Love" of Lacan for the Explanation of Divorce as a Social Problem)," *Fasl'nāme-ye zan dar farhang va honar (Journal of Women in Culture and Arts)* 9, 1: 73-92. <DOI: 10.22059/jpq.2019.221060.1006960>. [in Persian]
- Sheikh, Farooq Ahmad. (2017, January) "Subjectivity, Desire and Theory: Reading Lacan," *Cogent Arts & Humanities* 4, 1: 1-12, <DOI:10.1080/23311983.20171299565>.
- Skodo, Amir. (2007) "On a Paradoxical Jouissance, or the Limit of Desire and Fantasy Kierkegaard Through Lacan," *Advance Essay*, Center for Theology and Religious Studies, Lund University. Available at: <https://lup.lub.lu.se/luur/download?func=downloadFile&recordId=1323046&fileId=1323047> (Accessed 1 August 2021).
- Stavrakakis, Yannis. (2002) *Lacan and the Political*. New York: Routledge.
- . (2019) *Lacan and the Political*, trans: Mohammad Ali Jafari. Tehran: Ghoghnoos. [in Persian]
- Tajik, Mohammad Reza. (2007) "Ravān'kāvi va siyāsāt (Psychoanalysis and Politics)," *Pazhohesh-e siyāsāt-e nazari (Research in Theoretical Politics)* 3, 4: 19-45. Available at: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=81248> (Accessed 29 January 2021). [in Persian]
- Van Dijk, Theo Adrianus. (2016) "Tahlil-e goftemān-e ejtemā'i (Social Discourse Analysis)," in *Tahlil-e goftemān-e siyāsī (Political Discourse Analysis)*, trans. Amir Rezaei Panah and Somaye Shokati Mogharab. [in Persian]
- Žižek, Slavoj. (2005) *Gozideh-ye maghālat: nazariyeh, siyāsāt, deen (A Collection of Articles: Theory, Politics, Religion)*, trans. Morad

Farhadpoor, Maziar Islami, and Omid Mehregan. Tehran: Gam-e no. [in Persian]

———. (2011) *Lacanian the Real*, trans. Mahdi Salimi. Tehran: Roshd-e Amozesh. [in Persian]



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.

